

کشف یک اثر حرف‌های پشت پرده



داورهای جشنواره مهرگان ادب

شهرام اقبال‌زاده:

من پیشاپیش از این جشنواره، انتظار این که شاهکاری معرفی کند یا اتفاق خارق‌العاده‌ای بیفتد، نداشتم. چون به هر حال، وضعیت ادبیات کودک و سطح نویسنده‌ها را کمابیش می‌شناختم. با وجود این، فکر می‌کردم از بین چند چهره آشنایی که در ادبیات کودک مطرح هستند، احتمالاً کتاب یا کتاب‌هایی برنده خواهد شد. اما خوشبختانه، وضعیت به گونه‌ای پیش رفت که اگر نگوییم به کشف یک نویسنده رسیدیم، لاقلاً به کشف یک اثر رسیدیم؛ اثری که در جامعه ادبیات کودک و نوجوان، چندان مطرح نشده بود و نویسنده آن، چنان گم نام بود که ما پنج نفر داور، هیچ کدام او را نمی‌شناختیم، حتی تلفظ نام خانوادگی او را نیز درست نمی‌دانستیم. ما با توجه به زبان داستان و ساختار و نوع روایت و خلاقیت‌ها و نوآوری‌هایی که داشت، حدس زدیم که ممکن است اسم مستعار باشد و یکی از نویسنده‌های نام آشنا پشت این اثر باشد. البته بعداً متوجه شدیم که این طور نیست.

مرتضی خسرونژاد:

دکتر مرتضی خسرونژاد در پاسخ به این سؤال بسیار کوتاه گفته‌اند که: بله، بنابراین، پاسخ دکتر پروین سلاجقه را به این سؤال، از نظر می‌گذرانیم.

پروین سلاجقه:

نتیجه داورى به نفع هر کس تمام می‌شد، برای من فرقی نمی‌کرد؛ چون برایم مهم بود که یک اثر، با توجه به معیارها و ضوابط خودش جایزه بگیرد، نه به خاطر نام مؤلف، ناشر یا سازمانی که آن را حمایت می‌کند. از آنجا که همه کتاب‌ها و به خصوص کتاب‌هایی که نامزد دریافت جایزه بودند، درست خوانده شده بودند و حسن و ضعف هر یک مورد

اولین دوره جایزه رمان نوجوانان، با نام مهرگان، اواخر مهر ماه اهدا شد. بانی این جایزه و این جشنواره، بنیاد پخش و توسعه کتاب ایران (پکا) بود. از همان موقع، حرف‌ها و حدیث‌های زیادی درباره این جایزه، در بین اهل ادب جریان داشت. علی رضا زرگر، مدیر عامل پکا، همان روزها قول داد که سال بعد، جایزه مهرگان ترجمه ادبی و هنر نیز اهدا شود.

نتایج داورى هم از حضور نویسنده‌ای مستعد، اما نه چندان نام آشنا خبر می‌داد. بعضی‌ها هم معتقد بودند که داوران جشنواره، نظر شورای کتاب کودک را به جشنواره تحمیل کرده‌اند که البته این اعتقاد، به شدت از سوی داوران تکذیب شد. جدا از این‌ها، حرف‌های رسمی و غیر رسمی دیگری هم بود که نوشتن آن شاید کار چندان مطلوبی نباشد، اما برای احترام به جامعه رمان نویس نوجوان ایران و روشن شدن ذهن‌ها تصمیم گرفتیم میزگردی با حضور داوران ترتیب بدهیم. متأسفانه، این میزگرد هم به سبب مشکلاتی مثل در دسترس نبودن آقای خسرونژاد که ساکن شیراز هستند، برگزار نشد. بالاخره، تصمیم گرفتیم چند پرسش ساده، به صورت تلفنی از داوران پرسیم و منتشر کنیم. سؤال‌ها را پرسیدیم و داوران، بعضی‌ها شفاهی و بعضی‌ها کتبی، به ما پاسخ دادند. از داوران جشنواره مهرگان ممنونیم و شما را در جریان این پرسش و پاسخ‌ها قرار می‌دهیم. داوران عبارت بودند از: شهرام اقبال‌زاده، مرتضی خسرونژاد، پروین سلاجقه، ثریا قزل‌ایاغ و هوشنگ مرادی کرمانی.

اولین سؤال ما این بود:

آیا به عنوان یک داور، نتایج به دست آمده، مطابق با انتظار شما بود؟

O مهدی طهوری



مرادی کرمانی:
پر سرو صداترین و عجیب ترین توهین آمیز ترین قضاوت ها نسبت به داوری ای بود که در تمام این سال ها داشتیم.
من هنگام داوری، امکان ندارد شخصیت صاحب اثر یا رابطه او را با خودم در نظر بگیرم و از بس داوری کرده ام، این موضوع جزء ذاتم شده است

بحث قرار می گرفت و جلسات اقلانعی متعددی در این زمینه برگزار می شد که در آن ها داوران، با آسودگی خیال و بدون قید و تعهد خاص نسبت به فرد یا جریان خاص، نظر خود را در مورد آثار ارائه می کردند، نتیجه داوری هر چه بود، می توانست رضایت بخش باشد. به هر صورت، هر داور یک رای داشت و در تعیین نتیجه، به طور معمول، بحث اکثریت و اقلیت آرا مطرح است و در این جا هم، مثل همه جلسات داوری، نتیجه آرا با اکثریت بالا، به نفع کتاب برنده اعلام شد. اگر کتاب دیگری هم از یک نویسنده مشهور یا غیر مشهور رای می آورد، برای ما فرقی نمی کرد. بعد از انتخاب کتاب بود که متوجه شدیم، هیچ کدام مان نویسنده را نمی شناسیم و حتی در درست خواندن نام ایشان هم تردید داشتیم. حتی حدس می زدیم که یک نام مستعار باشد، ولی در هر صورت، من در همین جا به این نویسنده محترم و نویسندگان دیگری که نام و آثار آن ها در لیست نامزدهای جایزه بود، تبریک عرض می کنم و امیدوارم که فارغ از دغدغه جایزه و نام و ننگه به فکر اعتلای هنر خویش باشند و آثاری بهتر را خلق کنند.

ثریا قزل ایاغ:

مقصود از این پرسش را به درستی در نیافتیم. داوری، فعالیت جمعی است و نتیجه آن، برآیند روند آن است و اجتناب ناپذیر. گروهی متخصص دور هم جمع می شوند و روی حداقل ضوابط توافق می کنند، آثار را می خوانند و در مورد یک یک آن ها بحث می کنند. مسلماً ممکن است اختلاف نظرهایی هم وجود داشته باشد که کاملاً طبیعی است، ولی هر گاه بحث ها و گفت و گوها جنبه اقلانعی داشته باشد، نتیجه، برآیند نظریات خواهد بود و طبعاً نمی تواند خلاف انتظار باشد. قرار نیست نتیجه داوری، همه را راضی کند. مهم این است که احساس شود روند داوری، سالم بوده است. نتایج غیر منتظره، معمولاً برخاسته از داوری ها، زد و بندی و فرمایشی است.

هوشنگ مرادی کرمانی:

بله، من از نتیجه کاملاً راضی بودم. من جزو کسانی بودم که با کتاب آقای توزنده چانی موافق بودم و به آن رای دادم. با توجه به دلخوری داوران، از صحبت های اطراف این

جشنواره، سؤال دوم کتاب ماه از داوران، این بود:

صحبت ها، حرف ها و اظهار نظرها را درباره این جشنواره چگونه دیدید؟

شهرام اقبال زاده:

من این صحبت ها و واکنش ها را به دو بخش تقسیم می کنم، یکی واکنش های پیش از داوری و دیگری

واکنش های پس از داوری. متأسفانه، اولین واکنش ها چه مکتوب و چه شفاهی، این بود که داوران گرایش خاص و ذوق و سلیقه یکسانی دارند و به نهادی خاص وابسته اند که این موضوع، از چند نظر درست نیست. ابتدا



این که هیچ کدام از اعضای هیات داوران، در هیچ یک از نهادها، جزو تصمیم گیرندگان یا هیات مدیره یا افراد تعیین کننده نیستند. هر جا هستند، حداکثر عضوی ساده به حساب می آیند و نقش چندانی ندارند. البته خانم قزل ایاغ، از پیش کسوت های شورای کتاب کودک هستند که خودشان به سبب مشغله شان، استعفا داده اند. بنابراین، باید توجه داشت که عضویت در شورای کتاب کودک، نقشی در این داوری ها نداشته است. البته، برخی دوستان شورایی نیز برای شناخت داوران طرف مشورت بوده اند، اما همه داوران را آن ها معرفی نکرده بودند. کما این که خود بنده را بیشتر غیر شورایی ها مطرح کرده و به آقای زرگر پیشنهاد داده بودند. جدا از این، آقای زرگر مشورت های بسیار گسترده ای داشتند و عاقبت، نه به سبب شورایی بودن که به دلیل استقلال رای و نگاه حرفه ای داوران به ادبیات کودک و نوجوان، از آن ها دعوت به همکاری کردند. واکنش بعدی به داوری، قبل از اعلام نتایج این گونه بود که چند روز قبل از اعلام نتایج، بعضی از دوستان اعلام کرده بودند فلان کتاب، از فلان نویسنده برنده شده و حتی هنگامی که مراسم برگزار می شد به صورت گسترده ای در بین جمعیت مطرح بود که فلان کتاب از فلان نویسنده قرار است به عنوان برنده اعلام شود. اما موقعی که نتیجه اعلام شد، آن هایی که چنین تبلیغاتی را شنیده بودند، شگفت زده شدند. بعد از آن هم متأسفانه، شایع شده بود که تا ساعت ۹ شب گذشته، این کتاب برنده بوده و بعد داوران، کتاب دیگری را جایگزین کرده اند!

مرحله دوم، واکنش های بعد از انتخاب است. واکنش های عمومی بسیار مثبت بود و حتی در تیراژ و فروش چهار اثری که معرفی شده اند، تأثیر داشته است و برنده اصلی، یعنی میهمانی دیوها، فروش بالاتری از سایر عنوان ها دارد. جدا از واکنش عمومی، متأسفانه جوسازی هایی هم در اطراف این داوری وجود داشته است. منظورم از جوسازی، انتقادها نیست. بعضی دوستان، خیلی صریح و شفاف و روشن، انتقادهای خودشان را درباره این انتخاب گفته اند که من از آن ها خواهم می کنم نظریات شان را مکتوب کنند و جامعه را از نظریات شان محروم نکنند.

چیزی که من به آن «جوسازی» می گویم، حرف های شفاهی بی پایه ای است که مبتنی بر تهمت و افتراست. تهمت زده اند که اعضای هیات داوری زد و بندی داشته اند که عالم و عامداً خواسته اند فردی را در مقابل افراد مطرح، بزرگ کنند. این به دور از انصاف و اخلاق و دانش علمی است. هر کس معتقد است کتاب «میهمانی دیوها» ضعیف است، خواهش می کنم دلایل مکتوبش را مبتنی بر نظریات کارشناسانه، حتماً اعلام کند؛ خصوصاً که گفته اند: داورها سواد نداشته اند. من از دوستان نویسنده ای که معتقدند حقی از آن ها ضایع شده، می خواهم که شفاف حرف شان را بزنند؛ چرا که دنیای امروز، دنیایی مبتنی بر گفت و گو و نقد است و ما همه مطمئنیم که از هر نقدی که علمی و مستدل باشد استقبال خواهد شد. من هم به نوبه خودم، معتقدم که نقد با تخریب تفاوت دارد و صحبت های در گوشه همراه با افترا را نشانه نگاه ناسالم و بازمانده تفکر قومی قبیله ای می دانم. اگر من ناشرم، نباید فکر کنم که حتماً باید از قوم و قبیله نشر من، کتاب برنده انتخاب



صلاحیت تشخیص خوب از بد و سره از ناسره و به طور کلی، انتخاب را فقط به خود اعطا می‌کنند! متأسفانه این گونه برخوردها، از معضلات تفکر روشنفکران و فرهیختگان جامعه ما، به ویژه در حوزه ادبیات کودک و نوجوان است.

همه این موارد، باعث می‌شود که بدون هیچ دلیل منطقی، بسیاری از داوری‌ها را زیر سؤال ببرند.

حالا نمی‌دانم که داوران این جشنواره، چقدر با این معیارها قضاوت شده‌اند. ولی آن چه مهم است، این است که این داوری یکی از سالم‌ترین داوری‌هایی بود که تا کنون انجام شده است و نتیجه کار، این سلامت و استقلال را نشان می‌دهد.

ثریا قزل‌ایاغ:

همیشه درباره داوری‌ها، حرف و حدیث بسیاری وجود دارد که اگر داوران بخواهند خود را به آن‌ها بسپارند، از مسیر داوری منحرف می‌شوند. داوری ادبی، کار ساده‌ای نیست و دست کم اعصاب راحت می‌خواهد؛ به خصوص در جوامعی که در همه امور دچار توهم زد و بند هستند و بر چسب زدن متداول است. عده‌ای به جای آن که اجازه بدهند داوری صورت بگیرد و سپس درباره نتیجه کار به قضاوت بنشینند و اثر برگزیده و شیوه داوری را به چالش بکشند که عملی درست و منطقی است، از همان آغاز و بر اساس یک سلسله پیش‌فرضها، تصمیم خود را در مورد داوری می‌گیرند و درباره آن جوسازی و جنجال آفرینی می‌کنند.

این گونه حرف و حدیث‌ها، نه شنیدنی است و نه جدی. داوران باید فارغ از این گونه پیش‌داوری‌ها که گاه جنبه مرعوب‌کننده هم دارد، به کار خود بپردازند. در مورد داوری مهرگان ادب کودک و نوجوان هم از این گونه قضاوت‌ها کم نبود و هنوز هم حرف و حدیث ادامه دارد. برای مثال، به جای نقد اثر، به نقد وابستگی‌های داوران پرداختن، راه به جایی نخواهد برد.

هوشنگ مرادی کرمانی:

خیلی بد دیدم. من ۱۲ سال است دارم برای جاهای مختلف داوری می‌کنم. ۱۱ سال فقط داور قلم‌های رشد بوده‌ام و به غیر از آن، پنج شش جای دیگر هم داوری کرده‌ام. پر سرو صداترین، عجیب‌ترین و توهین‌آمیزترین قضاوت‌ها نسبت به داوری ای بود که در تمام این سال‌ها داشتم. من هنگام داوری، امکان ندارد شخصیت صاحب اثر یا رابطه او را با خودم در نظر بگیرم و از بس داوری کرده‌ام، این موضوع جزء ذاتم شده است. من فقط کار آن‌ها را در نظر می‌گیرم. اما پس

از این داوری، چیزهایی شنیدم که خیلی مرا آزرده و دلخور کرد. من با کمال صداقت وارد این داوری شدم - به سفارش و تاکیدهای آقای علیرضا زرگر، مدیر عامل پکا - و کار خودم را کنار گذاشتم که به اعتبار گفته‌های بسیاری که آن را خوانده بودند و



شود یا اگر به نویسنده‌ای علاقه‌مندم، نباید فکر کنم بقیه هم باید به او علاقه‌مند باشند. کما این که هیات داوران، با بعضی از نویسندگان که اثرشان برگزیده نشد، روابط دوستانه دیرینه دارند و اگر می‌خواستند این مسائل را لحاظ بکنند، حتماً کسان دیگری معرفی می‌شدند.

مرتضی خسرونژاد:

هنوز سخن و نقد مکتوبی در این زمینه ندیده‌ام.

پروین سلاجقه:

متأسفانه، من به دلیل مشغولیت فراوان، امکان شرکت در محافل ادبیات کودک و نوجوان را ندارم و از آن جا که فقط یک سوم از فعالیتم در این حوزه است، در همین حدود نیز از این اظهار نظرها اطلاع دارم؛ آن هم به طور غیر مستقیم. اما به طور کلی، آن چه مربوط به جراید می‌شود، یکی قضاوت‌ها و صحبت‌های قبل از داوری و اعلام نتیجه بود و یکی بعد از آن. در مورد اظهار نظرهای بعد از اعلام نتیجه، به غیر از اعلام خبر این جشنواره در جراید که انعکاس گسترده‌ای داشت، هنوز اظهار نظر رسمی و مکتوبی ندیده‌ام. ولی آن چه برای من تعجب‌برانگیز و مایه تأسف بود، یادداشت کوتاهی بود که قبل از شروع داوری، در یکی از نشریات اطلاع‌رسانی کتاب خواندم. در این یادداشت، در یک قضاوت شتابزده، تمام داوران، از ریز و درشت، متهم شده بودند به این که از یک نهاد فرهنگی خاص دستور می‌گیرند، دارای یک سلیقه هستند و می‌خواهند نظر دست‌اندرکاران آن سازمان خاص را اعمال کنند. اما عکس العمل‌های بعد از اعلام نتیجه که از طرف دانشجویان و دانش‌آموزان شاهد آن بودم، بسیار رضایت بخش بود. در مورد نهادها و سازمان‌های فعال در زمینه ادبیات کودک و نوجوان، تا جایی که اطلاع دارم، بعضی از آن‌ها، خوشحالی خود را از برگزاری این جشنواره، در پیام‌ها و خبرهای خود ابراز کردند. اما بعضی از آن‌ها که ظاهراً به اتفاق‌های حوزه ادبیات کودک و نوجوان حساس هستند و گاهی پیش پا افتاده‌ترین خبرها را نیز در خبرنگارهای خود درج می‌کنند، عکس‌عملی نسبت به برگزاری این جشنواره که بدون تردید، حادثه مهمی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان به شمار می‌آید، نشان ندادند؛ حتی در حد اعلام یک خبر. به هر حال، کلیه این برخوردها را می‌توان در مباحث تحلیلی و سمینارها در بررسی وضعیت کلی ادبیات کودک و نوجوان در کشور ما، مورد ارزیابی قرار داد؛ به ویژه، از دیدگاه آسیب‌شناسی.

به طور کلی، بعد از پایان هر داوری، عکس‌عمل‌هایی وجود دارد که چه مثبت و چه منفی، تا حدودی طبیعی است. اما آن چه طبیعی نیست، برخورد غیرمنطقی، خصمانه و نامناسب با شان قضیه است؛ به ویژه، اگر از طرف مدعیان جریان روشنفکری، فرهیختگی و تعلیم و تربیت باشد. بعضی از این واکنش‌ها، از طرف افرادی است که خود را به نحوی، ذی نفع می‌دانند (نویسنده، ناشر و...) و فکر می‌کنند که کتاب آن‌ها بهتر بوده و باید برنده می‌شده و در نتیجه، حق خود را ضایع شده می‌دانند که متأسفانه، گاهی شروع به سمپاشی و مسموم کردن فضا می‌کنند و بعضی از واکنش‌ها نیز متعلق به افرادی است که با نگاهی جزمی، خود را قیم تام و تمام ادبیات کودک و نوجوان می‌دانند و در نتیجه، حق انحصار ابدی



سلاجقه:
به طور کلی،
بعد از پایان هر داورى،
عکس العمل هايى
وجود دارد که
چه مثبت و چه منفى،
تا حدودى طبيعى است.
اما آن چه
طبيعى نيست،
برخورد غير منطقى،
خصمانه و نامناسب با
شان قضيه است؛
به ويژه،
اگر از طرف مدعيان
جريان روشنفكرى،
فريختگى و
تعليم و تربيت باشد

حتى خود هيات داوران كار شاخص و خوبى به نظر مى رسيد. با وجود اين، پشت پرده اين جشنواره، حرف هايى زده شد که واقعا باعث تاسف است. من پس از آن جشنواره، در سه جشنواره بسيار معتبر و مهم هم داور شدم، اما هر چه اين جا حرف و حديث شنيدم، آن جاها فقط ذکر خوبى و سلامت بود. من در اين جشنواره بسيار عذاب کشيدم و حرف هايى شنيدم که شايسته دوستانى که آن ها را مطرح کردند، اصلاً نبود. سومين سوال اين بود:

فکر می کنید چرا شما را به عنوان داور انتخاب کردند؟
شهرام اقبال زاده:

از نظر پيشينه و از نظر شهرت، من از همه داوران بزرگوار ناشناخته تر بودم و کم ترين تاثير را در ادبيات کودک داشتم. اما به هر حال، مشورت هايى که آقای زرگر با افراد مختلف کرده بودند، ايشان را سوق داد به اين که از بنده هم دعوت به همکارى کنند. به جز بنده، بقيه اعضاى هيات داورى، افرادى کاملاً شناخته شده و صاحب نظر و اهل فضل و دانش و هنرنند. بى هنرترين شان منم. و من از آن بزرگوارانى که هيات داورى را به بى سوادى متهم کرده اند و ناراحتند که کتاب دلخواه يا نويسنده دلخواه شان انتخاب نشده است، مى خواهم نقدها و مقالاتى را که تا به حال نوشته اند و يا پژوهش هاي شان را براى جامعه ادبى ما رو بکنند تا جامعه از آن ها استفاده کند. من از نحوه قضاوت سالم، مستقل و فارغ از غرض ورزى هاي اين داورى، کاملاً ابراز رضایت مى کنم و در مورد اين که آیا انتخاب ما درست بوده است، فکر مى کنم جامعه بايد اين را قضاوت کند. من معتقدم که اثر ويژه اى انتخاب شده است و ويژگى هاي برجسته اى دارد؛ رمانى نو با استفاده از بن مایه هاي فولکلوريک و فضايى کاملاً بومی.

مرتضى خسرو نژاد:
 به نظرم بهتر است اين سؤال، از انتخاب کنندگان پرسیده شود. شايد انتشار کتاب «معصوميت و تجربه»، مؤثر بوده است.

پروين سلاجقه:
 اگر اين سؤال را از انتخاب کنندگان پرسیده بهتر است. ولى تا جابى که من اطلاع دارم، انتخاب داوران به صورت مشاوره اى انجام شده است. مسلم است که هر سازمان برگزار کننده يك جشنواره، براى خودش ضوابطى دارد و افراد را با توجه به ضوابط خود، انتخاب و دعوت مى کند، ولى از آن جا که هنگام دعوت از بنده، بر «استقلال» داوران تاكيد زيادى بود، من به طور قطع، شرط استقلال را مهم ترين شرايط در اين انتخاب مى دانم.

ثريا قزل اياغ:

آيا فکر نمى کنيد که بايد اين پرسش را از دبیرخانه جايزه مهرگان ادب کودک و نوجوان پرسيد؟ در هر حال، اگر بخواهم به نکته هايى اشاره کنم، شايد بتوانم روى سى سال کار مستمر



خود در حوزه ادبيات کودکان و سابقه حضور در دوره هاي متعدد داورى هاي بين المللى و مللى، تاكيد بگذارم، ولى ضمناً شخصاً احساس مى کنم داورى را بايد به نسل جوان سپرد و بارها و بارها هم اين را متذکر شده ام.

هوشنگ مرادى کرمانى:

اين سؤال را بايد از كسانى که مرا انتخاب کرده اند، پرسيد. دليلى که شايد خود آن ها مدنظرشان بوده است، اين باشد که «تو در موقعيتى هستى که بايد به جوان ها بپردازى و به جوان ها جايزه بدهى. کتاب خود را، اگر چه به اعتقاد صاحب نظران، کتاب در خور توجهى است، کنار بگذارى و کتاب جوان ترها را مطرح کنى.»

شايد سؤال بعدى ما، سؤالى بديهى به نظر برسد: «آيا از سير داورى راضى بوديد؟» البته منظور ما اين بود که وقتى همه داوران از سير داورى راضى بوده اند، ديگر نمى توان راي نهايى را حاصل فشارهاى بيرونى دانست يا دست کم احتمال اين موضوع بسيار کم مى شود. به هر حال، پاسخ داوران به چهارمين سؤال ما چنين بود:

شهرام اقبال زاده:

سير داورى يك سير طبيعى بود. کتاب ها مرحله به مرحله خوانده مى شد و بحث ها و گفت و گوهائى جدى صورت مى گرفت. در اين جا من بايد از دبیرخانه پکا تشکر کنم. در آن جا مباحث داورى تندنويسى مى شد و از آن ها يادداشت بردارى مى کردند و بعد از هر جلسه خوانده مى شد و داورها امضا مى کردند من اميدوارم روزى اين صورت جلسه ها و يادداشت ها منتشر شود تا معلوم شود چه قدر داورها بى طرفانه و صادقانه، به بحث هاي علمى خود مى پرداختند و معلوم شود که آن ها گاهى تا چه حد با هم اختلاف نظرهاى جدى داشتند. به هر حال، توفيقى بود تا همه کتاب هاي داستانى ادبيات نوجوان را بخوانيم. ما بارقه هايى از اميد به رشد و تکامل را در اين آثار ديديم.

مرتضى خسرو نژاد:

بله، البته، طبيعى است که وقتى داوران به پاراداييم هاي بسيار متفاوت و يا بهتر است بگويم، به پاراداييم هاي متقابل، در حيطه نظريه و نقد تعلق داشته باشند. رسيدن به اتفاق آراء ناممکن مى شود، اما مهم اين است که آن قدر انعطاف وجود دارد که به اکثريت آرا تن بدهند.

پروين سلاجقه:

به نظر من، داورى فقط يك قضاوت يا انتخاب نيست، بلکه روندى است که اگر شرايط سالم و مناسبى آن را هدايت کند، مى تواند راضى کننده باشد. به عبارت ديگر، صرف انتخاب يك گزينه از بين گزينه هاي ديگر نيست که يك داورى را سامان مى دهد، بلکه چگونگى شکل گيرى پروسه صحيح يك انتخاب است که اهميت دارد و چون به نظر من، روند داورى در جشنواره اخير، درست انجام شد، بدون اغراق مى توانم بگويم که از شرکت در اين داورى راضى بودم. احساس اينکه يك داور در درجه اول، مستقل باشد و سپس خود را در حمايت ضوابطى مورد توافق قرار گرفته به وسيله يك اندیشه گروهى ببيند و در محيطى آرام و فارغ از دغدغه هاي جانبى و مخرب و ملاحظه کارى هاي خاص، بتواند ديده گاه هاي خود را نسبت به تعدادى از آثار مطرح کند،



از واقعیات زندگی نوجوانان امروز فاصله دارند. تلاش اندکی هم که در این جهت صورت گرفته، آن قدرها قابل اعتنا نیست. البته این اظهار نظر فقط با توجه به کتاب‌هایی است که مطالعه کرده‌ام.

پروین سلاجقه:

واقعیت این است که در اوایل کار داوری و حتی انتخاب، خیلی ناامید بودم. ولی در اواخر کار، سرانجام، جرقه‌هایی از امید درخشید و چند اثر نسبتاً قابل توجه، در میان آثار پیدا شد. البته به طور کلی، به نظر من، وضعیت رمان نوجوان، در کشور ما رضایت‌بخش نیست که این مسئله به توجه جدی نیاز دارد:

وگرنه در آینده نیز همین خواهد بود و ما باز هم سمینار می‌گذاریم و انتقاد می‌کنیم که چرا بچه‌ها هری پاتر می‌خوانند. تکراری بودن موضوع‌ها، کلیشه‌سازی‌ها و پرداخت داستانی نامناسب و ضعف ساختار، در بیشتر رمان‌ها به چشم می‌خورد. واقعیت این است که اکثریت قریب به اتفاق آثاری که تحت عنوان رمان نوجوان نوشته شده‌اند، داستان بلند به شمار می‌آیند و ضوابط رمان بر آن‌ها حاکم نیست. هم چنین گاهی با موضوع‌های تازه‌ای روبه‌رو می‌شدیم که فاقد پرداخت رمان بود. که فکر می‌کنم روشن شدن ضوابط رمان، می‌تواند به تقویت آثار بعدی کمک کند. مسئله‌ای که در این میان به نظر من می‌رسد و فکر می‌کنم که توجه به آن می‌تواند در پیشبرد رمان نوجوان مؤثر باشد، این است که در میان این آثار، چند اثر به لحاظ تکنیک و شیوه‌های تازه روایت، بسیار قابل تامل بودند و این مسئله، نشان می‌دهد که نویسندگان ما به افق‌های تازه‌ای در نوشتار نظر دارند، ولی به لحاظ درونمایه، با ضعف‌هایی روبه‌رو بودند که توجه به این ضعف‌ها می‌تواند وضعیت نوشته‌های بعدی آن‌ها را به‌سامان‌تر کند. البته اگر این تکنیک‌های تازه در دامن تقلید و کلیشه نیفتند که باید امیدوار باشیم. مسئله دیگر این است که به نظر می‌رسد، نویسندگان رمان نوجوان، با نوعی «محدودیت» در انتخاب موضوع، آن‌ها را به سمت استفاده از کلیشه‌ها که دیگر برای هیچ نوجوانی جذاب نیستند و همه از شنیدن هزار باره آن‌ها خسته شده‌اند، سوق می‌دهد. به طور مثال، سال هاست که آرزوی نوجوانی در ادبیات ما به داشتن یک «اسب» یا «دوچرخه» و نظایر این‌ها ختم می‌شود.

ثریا قزل‌ایاغ:

با کمال تاسف، وضعیت را نامناسب می‌بینم. از آثار ترجمه شده که بگذریم، به ندرت به اثری برمی‌خوریم که دارای ساختار رمان باشد. در داوری امسال جایزه دادن به رمان نوجوانان را باید نوعی خوش‌بینی تلقی کرد؛ چون دیدیم که به زودی، واقع بینی سبب شد در کلمه رمان تجدید نظر داستان‌های بلند هم وارد عرصه داوری شود.

واقعیت این است

که دوره نوجوانی، دوره افت خواندن است و

احساس قشنگی است. خیلی خوشحال بودم از این که می‌دیدم، آثار با مسئولیت و دلسوزی جمع‌آوری و با دقت خوانده می‌شوند (حتی در صورت لزوم بیشتر از یک بار) و در جلسات متعدد، بحث‌های اقلانعی، پایه و اساس درستی دارند و خوشحال بودم از این که می‌دیدم در آن جا، اثر داوری می‌شود، نه نویسنده و خلاصه اینکه، در همین جا لازم می‌بینم به عنوان یکی از افراد علاقه‌مند به سرنوشت ادبیات کودک و نوجوان ایران، از برگزارکنندگان این جشنواره که این فرصت را فراهم آوردند، تشکر کنم.

ثریا قزل‌ایاغ:

پاسخ بنده مثبت است. دبیرخانه فعالانه تمام آثار را گرد آورد. داوران با نظم و دقت و گاه وسواس آثار را مطالعه کردند. کار بسیار جدی گرفته شد. داوران، بدون پیش‌داوری، به جلسه می‌آمدند. جلسات طولانی بحث درباره ارزش آثار و سعی در قانع کردن و مجاب شدن، نشان از سلامت روند داوری داشت. همین کافی است. مسلماً اگر به جای این عده، داوران دیگری بودند، ممکن بود روند و نتیجه داوری متفاوت باشد. آن چه برای بنده رضایت بخش بود، روند داوری بود که من آن را روندی سالم دیدم.

هوشنگ مرادی کرمانی:

سیر داوری در این جا هم مثل بسیاری از جاهای دیگر بود. کسانی معتقد به نتیجه بودند، کسانی هم نبودند. بحث می‌شد، حرف زده می‌شد و بالاخره نتیجه گرفته شد.

پنجمین سؤال، در واقع چنین است:

حالا که داورها همه رمان‌های نوجوان را خوانده‌اند، فضای رمان نوجوان را چگونه ارزیابی می‌کنند؟

شهرام اقبال زاده:

من معتقدم که اگر چه جامعه ما کاملاً عاطفی است و ایرانی‌ها با شعر بیشتر عجین هستند، اما کم‌کم با رشد تفکر انتقادی در زمینه هنر و ادبیات جای رمان روز به روز بیشتر باز خواهد شد؛ اگر چه متأسفانه، به سبب شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ما فضا طوری است که تیراژ کتاب نسبت به جمعیت، خیلی مناسب نیست، با وجود این، نیاز جامعه به رمان حس می‌شود. رمان مهم‌ترین ژانری است که در آن می‌شود تفکر انتقادی و امروزی را در جامعه شهری رشد داد. با توجه به این اهمیت، نویسنده‌ها هم به خوبی در این ژانر جای مانور دارند. رمان به نظر من، مهم‌ترین گونه ادبی است که می‌تواند باعث تحول نوجوانان شود. رمان حتی زمینه‌ساز پرورش فکری و به نوعی علمی است؛ چرا که تفکر و تخیل که گسترش پیدا کند، زمینه جهش برای فرضیه‌سازی علمی نیز گسترش می‌یابد.

مرتضی خسرو نژاد:

بنیادی‌ترین فرض در ادبیات کودک و نوجوان، این است که این ادبیات، به نیازهای مخاطبان خود پاسخ می‌دهد. درحالی که وقتی ما به پژوهش‌های انجام شده در مورد نیازها، مسائل و ویژگی‌های نوجوانان کشورمان رجوع می‌کنیم و بعد ادبیاتی را که اعلام شده مال نوجوان است، می‌خوانیم، می‌بینیم که به طور کلی، به هیچ کدام از این نیازها، مسائل و ویژگی‌ها توجهی نشده است. نوجوان امروز ما از عرصه ادبیات خود حذف شده و نویسندگان ما بیش از آن چه فکر می‌کنیم،

اقبال زاده:

عضویت در

شورای کتاب کودک،

نقشی در این داوری‌ها

نداشته است.

البته، برخی دوستان

شورایی نیز

برای شناخت داوران

طرف مشورت بوده‌اند،

اما همه داوران را

آن‌ها معرفی

نکرده بودند.

کما این که خود بنده را

بیشتر غیر شورایی‌ها

مطرح کرده و

به آقای زرگر

پیشنهاد داده بودند



خسرو نژاد: نوجوان امروز ما از عرصه ادبیات خود حذف شده و نویسندگان ما بیش از آن چه فکر می‌کنیم، از واقعیات زندگی نوجوانان امروز فاصله دارند. تلاش اندکی هم که در این جهت صورت گرفته، آن قدرها قابل اعتنا نیست

نوجوانان، یا خواندن را می‌بوسند و کنار می‌گذارند و وقت خود را صرف امور دیگر می‌کنند یا اگر به خواندن ادامه بدهند، بی آن که از کسی اجازه بگیرند با یک خیز بلند، خود را به حیطة رمان و داستان بزرگسالان می‌رسانند. بنابراین، بسیاری از آثار که بر چسب نوجوانان خورده است بی‌مشتري باقی می‌ماند. عرصه ادبیات نوجوانان (هم شعر، هم داستان)، باید یک بار دیگر از این منظر، مورد نقد و نظر قرار بگیرد تا ابعاد پنهان آن روشن شود.

هوشنگ مرادی کرمانی:

خیلی خوب است. فرم‌های تازه و حرف‌های جدیدی کشف و زده می‌شود کلاً از حالت ایستای قبلی دارد بیرون می‌آید. کسانی به افسانه‌ها نیز نگاهی نو انداخته‌اند.

در پایان، از داوران خواستیم «هر چه دل تنگ‌شان می‌خواهد»، بگویند.

اگر حرف ناگفته‌ای به نظرتان می‌رسد که فکر می‌کنید طرح آن ضرورت دارد، برای ما بگویید.

شهرام اقبال زاده:

به نظر من این اتفاق، اتفاق فرخنده‌ای است؛ این اتفاق که بخش خصوصی، جریان مستقل داوری رمان نوجوان را آغاز کرده است و این که این داوری، در مقابل داوری‌های دیگر، اعم از دولتی یا غیر دولتی نیست. گسترش شمار این گونه داوری‌ها به یک رقابت فرهنگی، هنری و ادبی پویا دامن خواهد زد و من فکر می‌کنم باید با نگاهی خوش بینانه، سالم، خلاق، انتقادی و دوستانه، این گرایش‌ها را تقویت کرد. به هر حال، در زمینه داوری انجام شده، خواهش من از تمام بزرگواران این است که چه راجع به ترکیب هیات داوری و چه راجع به این انتخاب، بدون تعارف و خیلی صریح بنویسند و ما را نقد بکنند. خواهش می‌کنم راجع به ترکیب هیات داوران در سال‌های آتی، به صورت مکتوب نظر بدهند. ایرادهای داوران فعلی را بازگو کنند؛ کما این که بعضی از بزرگواران، به خود من می‌گفتند که با حضور این فرد یا آن فرد، ترکیب داوران بسیار می‌توانست بهتر باشد. این کار، هم شرافتمندانه است و هم نشان وجدان علمی بالا؛ چرا که صریح و شفاف حرف‌شان را با ما در میان گذاشتند.

من معتقدم که هیات مدیره پکا و آقای زرگر، تنها به دنبال این بودند که هیات داوری مستقل و حرفه‌ای را معرفی کنند، اما به هر حال، خرد جمعی حتماً بالاتر از خرد فردی است و نقد و نظر همه می‌تواند هم به ما کمک کند و هم به شکوفایی ادبیات کودک.

مرتضی خسرو نژاد:

خیر، ممنونم.

پروین سلاجقه:

تشکر می‌کنم از شما که به این اتفاق‌ها اهمیت می‌دهید و به آن‌ها می‌پردازید و از تمامی نویسندگان، منتقدین و کسانی که در حوزه ادبیات کودک و نوجوان فعالیت می‌کنند؛ به ویژه کسانی که با ادبیات کودک، به عنوان یک ضرورت برخورد می‌کنند، نه ابزاری برای رسیدن به اهداف بزرگسالانه خود. راستش هر بار که در مصاحبه‌ای با این پرسش وسوسه برانگیز روبه‌رو می‌شوم، دست‌وپایم را گم می‌کنم و آن وقت می‌مانم که حرفی دارم یا ندارم؟ و اگر دارم، چه طور آن را

عنوان کنم یا تنظیم کنم که به کسی برنخورد؟ این بار شاید بهتر باشد که حرف‌هایم را به صورت پرسش‌هایی مطرح کنم که خودشان و پاسخ‌شان در هوا معلق باشند تا هر وقت که لازم شد، آن‌ها را پس بگیرم! پرسش‌هایی که قطعیت «گزاره‌های خبری» را ندارند و آب پاکی روی دست کسی نمی‌ریزند. پرسش‌هایی که فقط پرسش‌اند. مثلاً:

- آیا نگاه قیّم مآبانه، سنتی، پدر یا مادر سالارانه در متولی‌گری ادبیات کودک وجود دارد؟

- آیا کسانی که می‌خواهند در حوزه ادبیات کودک فعالیت کنند، لزوماً باید به جایی وابسته باشند تا در امان بمانند و از گردونه حذف نشوند؟

- آیا اسطوره سازی از «خویشتن»، در بین اصحاب ادبیات کودک و نوجوان رایج است؟

- آیا جوسازی، شایعه پراکنی، اتهام و انکار صلاحیت افراد، در این حوزه وجود دارد؟

- آیا ادبیات کودک و نوجوان، به یک میدان بسته تبدیل شده است؟ و آیا در این میدان، تنگ‌نظری وجود دارد؟

- آیا ادبیات کودک می‌تواند ملک آبا و اجدادی کسی به شمار آید «مثلاً من یا دیگری»؟

- آیا...؟

چون شما این فرصت را به من دادید، من هم پرسش‌های ذهنی خود را مطرح کردم. پرسش‌هایی که گاهی در برابر آن‌ها قرار می‌گیرم، ولی جوابشان را نمی‌دانم. اگر پاسخ آن‌ها منفی باشد (که ان شاء الله هست)، باید به خودم به عنوان کسی که بخشی از زندگی‌اش را به پژوهش در این حوزه اختصاص داده است، تبریک بگویم.

ثریا قزل‌ایاغ:

خیر.

هوشنگ مرادی کرمانی:

من خوشحال نیستم که در داوری امسال شرکت کردم و اگر شرکت کردم، به سبب ادای وظیفه و ادای دین به جوانان بود. تمام حرف و حدیث‌هایی که پشت این داوری است به اعتقاد من غم‌انگیز و ناجوانمردانه است. من سال هاست که داوری می‌کنم و در انواع و اقسام رشته‌ها، از کاریکاتور و طنز گرفته تا فیلم و داستان، داوری کرده‌ام. هیچ چیز شخصی در داوری‌های من اثر ندارد و همیشه سعی می‌کنم هنگام داوری، چشمم را روی آشنایی‌ها بیندم. در این داوری هم هیچ فرد یا سازمان یا جریانی در داوری من دخالت نداشته و من از نتیجه داوری بسیار خوشحال و راضی‌ام. ما کسی را انتخاب کردیم که نه می‌شناختیمش، نه پارتی داشت، نه ناشر بسیار معروفی کارش را چاپ کرده بود. فقط کتاب او، کتاب خیلی خوبی بود. به نظر من این کتاب، یکی از کارهای خوب ادبیات امروز است و نویسندگی فوق‌العاده با استعداد دارد که امیدوارم به جامعه ادبی معرفی بشود.

از مدیر عامل پکا، آقای علیرضا زرگر بسیار متشکرم. او تمام تلاشش را انجام داد تا بتواند یک هیات داوری مسنجم و کارآ و با تجربه و با انصاف انتخاب کند و شش ماه تمام برای این موضوع تلاش کرد و حاصل کارش همین بود و من ضمن تشکر، به دقت و حوصله‌شان احترام می‌گذارم.